



دانیل بن سعید در 10 ژانویه 2010 پس از 15 سال مبارزه با بیماری درگذشت. در سال‌های اخیر چند مقاله از دانیل بن سعید به فارسی برگردانیده شده است. اما نظریه‌های سیاسی و چهره واقعی دانیل بن سعید هنوز نزد ایرانیان ناشناس باقی مانده است.<sup>1</sup> در محافل چپ ایرانی دانیل بن سعید را عمدتاً به عنوان یک فیلسوف مارکسیست و استاد دانشگاه صاحب کتاب می‌شناسند. اما این فقط بخشی از شخصیت سیاسی اوست و به هیچ وجه حق مطلب را درباره اش ادا نمی‌کند. زیرا که عمده‌ترین بخش فعالیت‌های بن سعید، یعنی نقش او در بازسازی نظری و تشکیلاتی چپ رادیکال را نه فقط در فرانسه، بلکه در سطح جهان، ناشناخته باقی می‌گذارد. دانیل، نه تنها مبارزی وفادار و پی-گیر در عرصه‌ی جنبش جهانی طبقه کارگر - و کلیه جنبش‌های رهایی بخش و مترقی جهان - بود، بلکه یکی از با استعدادترین روشنفکران مارکسیست در طی چند دهه‌ی گذشته هم به شمار می-آید. برای کسانی که از نزدیک او را می‌شناختند، بن سعید کمونیستی انترناسیونالیست، مارکسیستی انقلابی، و مبارزی خستگی‌ناپذیر بود. دانیل بن سعید، یک رهبر سیاسی، یک سازماندهی تظاهرات، یک سخنور و مبلغ برجسته، یک مجادله‌گر سیاسی، یک استاد فلسفه در دانشگاه، یک نویسنده پرکار و صاحب سبک بود. او در عین حال فردی فروتن، خوش برخورد، و به رغم بیماری جانگدازش، در همه جا با لیخند فراموش نشدنی‌اش حضور می‌یافت.

دانیل بن سعید در سال 1946 در شهر تولوز در جنوب فرانسه و در یک خانواده یهودی بسیار تنگدست به دنیا آمد. پدرش حییم بن سعید از مدت‌ها پیش از تولد دانیل، در قهوه‌خانه‌ای در شهر اوران واقع در الجزایر با شغل گارسونی امرار معاش می‌کرد. مادرش یک فرانسوی از طبقه‌ی کارگر بود که در نوجوانی فرانسه را در هنگام اشغال نازی‌های ضد یهود ترک گفته و به الجزایر کوچ کرده بود. او در 18 سالگی به یک عرب یهودی دل بست. این دختر جوان در دورانی که الجزایر مستعمره فرانسه بود، و کشور فرانسه نیز در اشغال آلمانی‌های یهودستیز و حکومت دست‌نشانده‌ی ویشی قرار داشت، می‌بایست یک تنه به جنگ همه‌ی دشواری‌های زندگی می‌رفت. در همان دوران است که حییم بن سعید به همراه دو برادر خود توسط حکومت ویشی - دست‌نشانده‌ی هیتلر - به جرم یهودی‌بودن دستگیر و به اردوگاه مرگ فرستاده شد. دختر جوان فرانسوی با تهیه‌ی اوراق هویت جعلی در اثبات «یهودی نبودن» همسر عرب خود، موفق به آزادی او گردید اما دو برادر دیگر حییم اعدام شدند. این زوج جوان به فرانسه نقل مکان می‌کنند و در تولوز یکی از شهرهای جنوبی فرانسه در نزدیکی مرز اسپانیا اقامت می‌گزینند. دانیل بن سعید در کتاب زندگی نامه‌اش<sup>31</sup> به نقل این ماجرا پرداخته است. او اشاره می‌کند که " ... شگرف این که فاصله‌ی زمانی بین این بربریت و رویدادهای سال 1968 کمتر از 30 سال بود."

حییم در تولوز برای امرار معاش کافه‌ای باز کرد به نام "کافه دوستان". این کافه پاتوقی برای پناهندگان اسپانیولی ضدفرانکو، ایتالیایی‌های ضد فاشیسم، اعضای سابق جنبش مقاومت فرانسه و کارگران مبارز با گرایش‌های مختلف، جلسات حزب کمونیست محل هم در آن جا برگزار می‌شد. مادر دانیل فرزند یک کمونارد بود و سرترسی داشت. او جمهوریخواهی دوآتشه بود و به خاطر این که یکی از اعضای خانواده اش در مخالفت با اعدام لوئی شانزدهم سخن گفته بود به مدت ده سال با او ترک رابطه کرد! در همین ایام است که دانیل نوجوان شاهد انفجار خانه‌ی پدر دوستش توسط اعضای یک گروه دست راستی- فاشیستی شد. واقعه‌ای که به گفته خودش بر او تأثیر بسیار گذاشت. پدر دوستش پزشکی کمونیست و خوش‌نام بود. آن پزشک از اعضای جنبش مقاومت بود که در دوران اشغال فرانسه توسط آلمان هیتلری با نازی‌ها می‌جنگیدند.

در این که دانیل فرد بسیار با استعداد و تیزهوشی بود جای کمترین شکی نیست. اما، شرایط و رویدادهای اجتماعی و خانوادگی هم نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت دانیل نوجوان ایفا کردند؛ اردوگاه مرگ نازی‌ها، کافه دوستان، الجزایر مستعمره، بمب‌گذاری فاشیست‌ها و ...

کشتار الجزایریان در متروی پاریس در سال 1962 توسط پلیس فرانسه، بر دانیل تأثیر زیادی گذاشت. او در همان سال، هنگامی که 16 سال داشت به عضویت سازمان جوانان حزب کمونیست فرانسه درآمد. دانیل بن سعید اما به سرعت از سیاست‌های حزب کمونیست سرخورده شد. او به اتفاق افرادی نظیر آلن کریوین و هانری وبر دست به تشکیل جناح چپ در آن سازمان زد. در آن دوره پیروزی انقلاب کوبا، تأثیر زیادی بر جوانان رادیکالی مانند دانیل بن سعید گذاشته بود. او سرانجام به خاطر مخالفت با سیاست حزب کمونیست فرانسه، در رابطه با حمایت از نامزدی فرانسوا میتران در انتخابات ریاست جمهوری در سال 1965، از حزب کمونیست اخراج شد. دانیل در همان سال موفق به ورود به مدرسه معتبر اِکول نورمال سوپریور شد و به پاریس نقل مکان کرد.

دانیل بن سعید یکی از پایه‌گذاران تشکل "جوانان کمونیست انقلابی" (Jeunesse Communistes Révolutionnaires, JCR) در سال ۱۹۶۶ گردید و همچنین، یکی از گردانندگان اصلی یک تشکل دانشجویی به نام جنبش ۲۲ مارس شد. دانیل از چهره‌های اصلی جنبش ماه مه 1968 در فرانسه بود و در زمره رهبران نادری بود که تا آخرین روز زندگی به باورهای انقلابی خود پای‌بند باقی ماند و مبارزه کرد.

در پی روی‌دادهای ماه مه 1968، حکومت ژنرال دوگل رئیس‌جمهور وقت فرانسه، سازمان "جوانان کمونیست انقلابی" JCR را غیرقانونی اعلام کرد و رهبران آن سازمان را تحت تعقیب قرار داد. دانیل بن سعید به زندگی مخفی روی آورد و در خانه‌ی مارگریت دوراس نویسنده سرشناس، پنهان شد. بن سعید در منزل مارگریت دوراس، مشترکاً با هانری وبر نخستین کتاب خود به نام "مه 68، تمرین کلی"<sup>11</sup> را نوشت. این کتاب از رویدادهای سال ۱۹۶۸ و حال و هوای دگرگون‌کننده‌ی آن دوره سخن می‌گوید. دانیل بن سعید در سال 1969 "اتحادیه کمونیست‌های انقلابی" (Ligue Communiste Révolutionnaire, LCR) را با کمک آلن کریوین و دیگر هم‌فکرانش تأسیس کرد. او تا آخرین روزهای حیاتش از رهبران آن محسوب می‌شد. اتحادیه کمونیست‌های انقلابی یکی از بخش‌های اصلی بین‌الملل چهارم بود. دانیل انترناسیونالیستی معتقد بود. او عالوه بر زبان فرانسوی به زبان‌های اسپانیولی و پرتغالی مسلط بود و نقش مهمی در سامان‌یابی سازمان‌های چپ رادیکال در آمریکای لاتین، اسپانیا و پرتغال داشت.

کشور فرانسه در سال ۱۹۸۹ به مناسبت دویستمین سالگرد انقلاب کبیر جشن گرفت. اما این جشن زحمتکشان و پابرهنگان فرانسوی اواخر قرن بیستم نبود. بلکه جشن نوادگان غاصبانی بود که به یمن ترور و خفقان ناشی از ترمیدور\*، میراث‌خوار دروغین انقلاب کبیر فرانسه شده بودند. همان تاریخ-نویسان و نظریه‌پردازان قلم به مزدی که هنوز در مضرات انقلاب، "قهر" و "خشونت" صدها کتاب و هزاران مقاله می‌نوشتند. در چنین دوره‌ای از تاریخ معاصر فرانسه بود که دانیل بن سعید دو کتاب "من، انقلاب"<sup>10</sup> و "دویستمین سالگرد ترمیدور"<sup>11</sup> را نوشت. دانیل نشان داد که این روبسپیر بود که دویست سال پیش برای نخستین بار قانون لغو مجازات اعدام را به کنوانسیون ارائه داد. اما پیشنهاد روبسپیر انقلابی به واسطه‌ی مخالفت جناح راست طبقه‌ی بورژوا به تصویب نرسید. بن سعید در آثار خود به مسائلی نظیر "حقوق بشر، تروریزم، پیشرفت، پول، و ارزش‌های اخلاقی" پرداخت و از ریاکاری‌های سیاست‌بازان بورژوا و تاریخ‌نویسان تحریف‌گر تاریخ پرده برداشت. آثار دانیل بن سعید، ترکیب و پیوندی است از ژاکوبینیزم انقلابی بابوف - بلانکی و کمونیزم رهائی‌بخش کمون پاریس.

دانیل بن سعید چندی بعد دو کتاب درباره‌ی والتر بنیامین<sup>12</sup> و ژاندارک<sup>13</sup> به رشته تحریر درآورد. در واقع، این دو اثر، محصول دوران محزون و خمودگی ناشی از سال‌های بعد از ۱۹۸۹ است. دورانی که بیانگر یورش همه‌جانبه علیه مارکسیزم، و مبلغ پیروزی سرمایه در نبرد علیه کار، و یکه‌تازی نئولیبرالیزم، و رشد راست افراطی و ناسیونالیزم ارتجاعی بود. بی‌جهت نبود که در این دوره، بن سعید دست به نوشتن و انتشار کتاب "شرط بندی محزون"<sup>16</sup> زد.

سال‌های پرتلاطم پس از 1990 تأثیر زیادی بر جنبش سوسیالیستی در عرصه‌ی جهانی گذاشت؛ فروپاشی دیوار برلین، بلوک شرق و شوروی، جنگ اول عراق، جنگ‌های منطقه‌ی بالکان در پی فروپاشی یوگسلاوی سابق، جنگ داخلی در الجزایر و قتل عام حدود یک میلیون انسان در رواندا و... رویدادهایی بودند که طی چند سال چهره جهان را کاملاً دگرگون ساختند. سردرگمی ناشی از این رویدادها - که هنوز هم ادامه دارد - نیاز به بازنگری جدی نظری، کندوکاو ژرف تاریخی، کنش و واکنش سریع سیاسی، و سامان‌یابی تشکیلاتی را برجسته ساخت. دانیل بن سعید کوشش زیادی برای کنکاش و یافتن رهیافت مسائل این دوره‌ی تاریخی انجام داد. اشاره به دو مقطع تاریخی کمابیش مشابه می‌تواند در شناخت انکشاف اندیشه‌ی سیاسی دانیل بن سعید مفید باشد. در دوره‌ی پس از شکست انقلابات اروپا در سال 1848، مارکس نیز با اوضاع و احوال مشابه‌ای مواجه شده بود. این دوره‌ای است که مارکس پژوهش و شناخت علمی نظام سرمایه‌داری را در دستور کار خود قرار داد؛ پروژه‌ای که برای سال‌های طولانی عمده‌ترین فعالیت او محسوب گردید. مورد مشابه دیگر، واکنش لنین به رویداد غیرمترقبه و فاجعه‌انگیز رأی مثبت احزاب سوسیال دموکرات به بودجه‌ی جنگی دولت-های جنگ‌طلب خودی بود. دوره‌ای که لنین به بازخوانی هگل و مارکس روی آورد.

نکته‌ی دیگری که در چرخش فعالیت‌های سال‌های آتی دانیل بن سعید بی‌تأثیر نبود، آگاهی از ابتلا به یک بیماری علاج‌ناپذیر بود. پزشکان حداکثر یک سال به او فرصت زندگی داده بودند. خوشبختانه آنان در ارزیابی مقاومت انسانی اشتباه می‌کردند. دانیل، از آن هنگام، با سرعت حیرت‌انگیزی به نوشتن پرداخت. انگار هرچه از قدرت جسمانی دانیل بیشتر کاسته می‌شد، بر قدرت فکری او بیشتر افزوده می‌گشت. بطوری که در طی ۱۵ سالی که با مرگ دست و پنجه نرم کرد، بیش از ۲۰ کتاب و ۲۰۰ مقاله‌ی مهم درباره‌ی موضوعات گوناگون به نگارش درآورد. به نظر می‌رسید که دانیل بن سعید با اندیشه و قلم خود می‌خواهد بر مرگ فیزیکی غلبه کند.

از اواسط دهه‌ی 1990، عمده‌ترین آثار مهم دانیل بن سعید به مسائل کلیدی مارکسیزم اختصاص دارد؛ "سرمایه" مارکس، انقلاب اکتبر، محیط زیست، فمینیسم، مسأله یهود، فلسطین و تدارک یک طرح سیاسی نوین برای چپ رادیکال ضدسرمایه‌داری. او در سال ۱۹۹۵ ابتدا کتاب "**مارکس نابهنگام**"<sup>14</sup> و در پی آن کتاب "**ناموزنی زمان‌ها، جستاری درباره بحران‌ها، طبقات و تاریخ**"<sup>15</sup> را نوشت. این دو کتاب که در واقع مکمل یکدیگرند، نه تنها دفاعیه‌ای برای مارکس جوان هستند - در دورانی که مارکس را مورد نقد قرار داده‌اند - بلکه بسیاری از ابهامات درباره‌ی اندیشه‌ی مارکس را برطرف ساخته‌اند.

بن سعید در دو کتاب نامبرده به مانند یک نقاش چیره‌دست به مرمت شاهکار کاملاً رنگ و رو رفته و غبار گرفته استناد بزرگ خود می‌پردازد. او به جنگ برداشت‌های ساده‌انگارانه، بی‌جان، مکانیکی، دگماتیک و مذهبی‌شده‌ی متداول از اندیشه‌ی مارکس می‌رود و با خوانشی زنده، پویا و کارآ دروازه‌ی دنیای تاکنون ناشناخته‌ای از اندیشه‌های مارکس را برای خوانندگان دو کتاب می‌گشاید. البته نباید شگفت‌زده شد که این خانه‌تکانی مهم به مذاق آن دسته از "مارکسیست‌های خشک مغز خوش نیاید؛ کسانی که نوعی "ماتریالیزم تاریخی" مکانیکی و دگماتیک را به مثابه قوانین خدشه‌ناپذیر جامعه و طبیعت از اندیشه‌ی مارکس استنتاج کرده‌اند. دانیل بن سعید نخست به دفاع از مارکس در برابر حملات فیلسوفان معاصر می‌پردازد؛ کارل پوپر فیلسوف ضد کمونیست دوران جنگ سرد، و محفل آکادمیکی که تحت عنوان "مارکسیزم تحلیلی" پیرامون جون الستر گرد آمده بود و به مخالفت با نظریه‌ی مارکس درباره‌ی "ارزش" و "کار" پرداخته بودند. دانیل سپس به بررسی اندیشه‌ی خود مارکس پرداخت. او نشان داد که هم پوپر و هم الستر در حملاتشان به مارکس، نظراتی را به او نسبت می‌دهند که به هیچ‌وجه ارتباطی با مارکس ندارند. برای مثال، پوپر مارکس را به "تاریخ‌گرایی" متهم کرده بود. تاریخ‌گرایی بدین معنا که با مطالعه‌ی گذشته می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد؛ با خواندن کتاب "سرمایه" می‌توان رسیدن به کمونیسم را پیش‌بینی کرد. درست به مانند فرد دینداری که با خواندن نماز روزانه‌اش، ظهور ناگزیر امام دوازدهم را تصدیق می‌کند.

بن سعید در کتاب "**ناموزنی زمان‌ها، جستاری درباره بحران‌ها، طبقات و تاریخ**" که شاید مهم‌ترین اثر نظری وی محسوب شود، به خوانشی نامتعارف از کتاب "**سرمایه**" مارکس پرداخت. این بی‌پایه بودن بسیاری از ایراداتی که به لحاظ نظری به کتاب "سرمایه" گرفته می‌شد را اثبات کرد. این کتاب قدرت روشنگری و تحلیلی بن سعید را تثبیت می‌کند. کتاب او از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش اول به بازخوانی کتاب "سرمایه" مارکس می‌پردازد. سامانه‌ی اقتصادی-سیاسی و مقولاتی

نظیر بحران، و چرخه‌های اقتصادی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. بن سعید می‌کوشد تا از این طریق چشم‌اندازی برای تحولات دوران کنونی بیابد. بخش دوم اختصاص دارد به تضادهای طبقاتی، رابطه متقابل بین آنها؛ مناقشات اجتماعی، سلطه‌ی سلسله مراتب و فشار ناشی از سرکوب جنسی، منازعات قومی (بین ملیت‌ها و پیروان ادیان مختلف در چارچوب جهانی‌شدن سرمایه معاصر). آخرین بخش کتاب برپایه‌ی کارهای ارنست بلوخ، والتر بنیامین و شارل پگی به ساختارشکنی فیتیشیزم تاریخی می‌پردازد. این کتاب ادای سهمی است در نقد مدرنیته کالائی و باورهای متداول. در این کتاب دانیل تلاش می‌کند تا نشان دهد که اندیشه‌ی مارکس در طی صد سال گذشته شدیداً از سه تفسیر نادرست رنج برده است؛ بدین معنا که مارکسیزم: (۱) تاریخ‌گرا نیست، یعنی دارای یک فلسفه‌ی پایان تاریخ نیست؛ (۲) جامعه‌شناسی منطقی‌آمپرک طبقات نیست؛ (۳) بررسی پوزیتیویستی‌علمی اقتصاد و تکامل تک‌خطی جامعه که اجباراً به کمونیزم منتهی می‌شود هم نیست. دانیل بن سعید نشان می‌دهد که مارکس، این متفکری که در قرن نوزدهم می‌زیست کماکان بهترین مفسر سرمایه-داری جهانی‌شده در قرن بیست و یکم، و پاسخ‌گو و گزینه‌ی حل معضلات آن است. دانیل بن سعید، به تعبیری، کارل مارکس "پسا-پست مدرن" را به ما می‌شناساند.

دانیل با یک بررسی جامع نشان می‌دهد که صرف‌نظر از برخی نوشته‌های کم‌اهمیت ژورنالیستی مارکس، تقریباً در کلیه آثار مهم او کمترین نشانه‌ای از این نظریه که کمونیزم پی‌آمد گریزناپذیر سرمایه‌داری است، دیده نمی‌شود. بازخوانی مارکس بن سعید را متقاعد می‌سازد که سیر تاریخ خطی مستقیم نبوده و همچون درختی دارای شاخه‌ها و انشعاب‌های فراوان است. بررسی نظریه-های مارکس توسط دانیل نشان می‌دهد که روند تاریخ مجموعه‌ای از رویدادهای احتمالی است که پی‌آمدهای غیرقابل پیش‌بینی خواهند داشت؛ البته پیکار طبقاتی جایگاه اصلی را دارد اما نقش تصادف و احتمالات را نیز نباید نادیده گرفت. پژوهش بن سعید تبیین کاملاً وارونه‌ای از آثار مهم مارکس را برجسته می‌کند که مبتنی بر غیر خطی بودن انکشاف تاریخ است. این "مارکسیست"ها بودند که یک چنین جامه تنگ مکانیکی‌ای را بر تن اندیشه و آثار مارکس کردند و قوانین حاکم بر طبیعت مرده را بر جامعه‌ی انسانی زنده و پر از جنب و جوش تحمیل کردند. دانیل مستدل می‌سازد اگر این جهانشمولی را بپذیریم آنگاه الزاماً پیش‌بینی‌پذیر بودن آینده را هم باید قبول کنیم. در این دیدگاه نقش انسان به مثابه "عامل آگاه" و "عنصر مؤثر" به حداقل کاهش داده می‌شود. این دقیقاً ایدئولوژی و خواست سرمایه‌داری است. بوارون، دقیقاً در دوران شکست، عقب‌نشینی و افول مبارزه طبقاتی است که بیش از هر زمان دیگری لازم است که سوسیالیست‌های انقلابی بر ضرورت مبارزه طبقاتی و این که کمونیزم محصول خود به خودی جامعه‌ی طبقاتی نیست، پافشاری کنند. این کتاب را شاید بتوان مهم‌ترین اثری دانست که چپ رادیکال در طی چند دهه‌ی گذشته تولید کرده است.

اگر قرار باشد از میان دست‌آوردهای با ارزش دانیل در بازشناسی و تکامل اندیشه مارکسیستی تنها یکی را در این جای برشمیریم بی شک گسست ریشه‌ای از پوزیتیویزم و دترمینیزم است که تار و پود مارکسیزم "ارتدوکس" عمیقاً به آن آغشته بود. در این امر بی شک بلانکی و بنیامین در او بی‌تأثیر نبودند. در کتاب نامبرده این جمله از بلانکی را می‌یابیم: "... چیزهای شگرف انسانی، چیزهایی که در هر لحظه قابل تغییر می‌توانند باشند، بندرت شبیه چیزهای کهکشانی هستند که مقدرند و سرنوشتی گریزناپذیر دارند". یا این جمله والتر بنیامین: "هر لحظه تاریخ در تنگی و باریکی است که در آستانه اش ناجی‌ای می‌تواند ظاهر شود، یعنی انقلاب، این جهش ناگهانی رویداد احتمالی است در واقعیت".

**"اگوست بلانکی، کمونیست مرتد"** عنوان یکی از نوشته‌هایش است که مشترکاً با میشل لووی نوشته است. اندیشه و زندگی بلانکی بر او تأثیر انکارناپذیری گذاشته بود. دانیل دفاع و وفاداری خستگی‌ناپذیر از محرومان و پرهیز از هر گونه خشک مغزی و تعصب عقیدتی را از بلانکی آموخته بود.

در عصری که نظریه‌ی "پایان جهان" فوکویاما به ظاهر یکه‌تازی می‌کرد و نئولیبرالیزم سرمست از باده پیروزی بود، نوشتن این دو کتاب به نظر "خروس بی محل" می‌رسید. اما این دو کتاب هنوز از چاپخانه خارج نشده بودند که اعتصابات عظیم و طولانی کارگران فرانسه علیه تهاجمات همه‌جانبه سیاست‌های نئولیبرال، دولت دست راستی را ساقط کرد و باردیگر شبخ مارکس از دور نمایان شد.

بخش عمده‌ای از آثار دانیل به مسأله استراتژی، به ویژه استراتژی انقلابی در قرن بیست و یکم، اختصاص دارد. او در کتاب "**شرط بندی محزون**"<sup>16</sup> به این مهم می‌پردازد و با توجه به رویدادهای دو دهه گذشته و جو شدیداً بدبینانه ناشی از شکست‌ها و آرزوهای بر باد رفته، قویاً به دفاع از "تعهد سیاسی و انقلابی" برمی‌خیزد. او با نقد مفروضات، الگوها و دگم‌های از قبل تعیین شده و خدشه ناپذیر گذشته، به تعهد در قبال چشم انداز واقعی و استراتژی انقلابی تاکید می‌کند. در این کتاب که به گفته میشل لووی زیباترین نوشته دانیل بن سعید است، با اتکاء بر جمله‌ای از پاسکال می‌گوید که "**عمل رهائی بخش کاری است که پیامدش از قبل تعیین نشده**" است. میشل لووی که خود شاگرد و همکار لوسین گلدمن بوده بر این باور است که دانیل بن سعید با مطالعه کارهای گلدمن روش مارکس را در کار پاسکال می‌بیند. دانیل تعهد و درگیر شدن در سیاست انقلابی را هم چون یک شرط بندی حساب شده بر روی یک "**تحقق تاریخی**" می‌بیند که "**خطر باختن همه چیز و یا خود باختن**" را در بطن خود دارد. بدین ترتیب، انقلاب دیگر ناشی از یک ضرورت تاریخی و از ملزومات قوانین آن و یا زائیده تضادهای اقتصادی سرمایه نیست، بلکه یک استراتژی مفروض و محتمل، یک چشم انداز اخلاقی‌ای است که "**بدون آن اراده پس می‌نشیند، روحیه مقاومت عقب می‌نشیند، تسلیم می‌شود، پیمان می‌شکند، اعتبار و حیثیتش را بر باد می‌دهد.**"

در رابطه با فریب خوردن توده‌ها از حکومت حزب سوسیالیست فرانسه و بر باد رفتن آرزوهایشان توسط سوسیال دموکراسی کتاب "**چپ آنها و چپ ما**"<sup>18</sup> را می‌نویسد و سراب آن نوع "سوسیالیزم" را برملا می‌سازد.

دانیل یک سال از فروپاشی شوروی، در زمانی که توپخانه‌ی ارتش ایدئولوژیک ارتجاع جهانی یکه تازی می‌کرد "کتاب سیاه کمونیزم" را نوشت. این کتاب به ظاهر یک کار تحقیقاتی علمی جمعی است و در بیش از هزار صفحه به افشای جنایاتی که تحت نام "کمونیسم" انجام گرفته است، می‌پردازد. "کتاب سیاه کمونیسم" سریعاً به اکثر زبان‌های مهم جهان ترجمه شد و زیور اکثر کتابخانه‌ها و کتاب فروشی‌ها در سراسر جهان گردید. دانیل بن سعید سپس با انتشار کتاب "**چه کسی قاضی است؟**"<sup>19</sup>، با تأکید بر بیان حقیقت، مبارزه با افتراء و تحریف تاریخ، انتقال خاطرات و گنجینه انقلابی به نقد تحریف‌کنندگان تاریخ پرداخته و خود تاریخ را به عنوان تنها داور واقعی به رسمیت می‌شناسد.

او کتاب "**لبخند شبخ، روح نوین کمونیزم**"<sup>23</sup> را به مناسبت صدوپنجاهمین سالگرد انتشار "مانیفست حزب کمونیست" نوشت و در آن فرارسیدن مجدد "شبخ کمونیست" را نوید می‌دهد.

دانیل بن سعید در کتاب "**تحویل ناپذیران. تزه‌های مقاومت مناسب زمانه**"<sup>24</sup> که در سال ۲۰۰۱ نوشت با بیانی زیبا با تزه‌های پنج‌گانه‌اش به نبردی حماسی علیه منفی‌بافی‌های شوم و نغمه‌های بدبینانه و تسلیم طلبانه‌ی پیاپی روشنفکران و هم‌رزمان گذشته‌ی خود می‌پردازد؛ او در سکوت خفقان‌زای زمانه با نهیبی فرارسیدن طوفانی خروشان را نوید می‌دهد: دستورالعمل‌هایی برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر فشارهای دوران نئولیبرالیزم، عصر انتقالی بین گذشته‌ی مخروبه و آینده‌ی نامعلوم.

کتاب "**مقاومت، جستاری کلی درباره موش کور**"<sup>26</sup> که در تداوم همین موضوع می‌نویسد، تلاشی است در جهت دستیابی به یک "سیاست مقاومت". در تاریخ ادبیات از شکسپیر گرفته تا مارکس، موش کور همواره نماد سرسختی، مقاومت زیرزمینی و ظهور ناگهانی و غیر مترقبه در جایی است که انتظارش نمی‌رود. موش کور حیوانی است که با انرژی خارق‌العاده‌ای در زیرزمین صبورانه به نقب‌زدن می‌پردازد و شبکه‌ی زیرزمینی تودرتویی ایجاد می‌کند و به ناگهان در یک جایی از زمین سر در می‌آورد که به هیچ‌وجه انتظار آن نمی‌رود. موش کور نماد تسلیم‌نشدن است، در برابر آنچه که در ظاهر، عمرش بسر آمده است. بن سعید در این کتاب به بررسی نظریات فیلسوفانی می‌پردازد که در برابر طوفان‌های مخرب دهه‌های اخیر تسلیم نشدند. او نظریات آلتوسر، باديو، دریدا و نگری را به زیر ذره‌بین نقد می‌برد و در جدالی رفیقانه با آنان به تدوین و تکامل استراتژی سیاست انقلابی نوین می‌پردازد.

دانیل بن سعید در سال ۲۰۰۱ بار دیگر به مارکس بازمی‌گردد و کتاب "**کارل مارکس، هیروگلیف مدرنیته**"<sup>27</sup> را می‌نویسد. او بسط سرمایه داری در دوران مارکس را با پدیده گلوبالیزاسیون سال‌های اخیر مقایسه می‌کند و هردو را کم و بیش از یک قماش می‌بیند. دانیل برای بهتر فهمیدن کتاب

"سرمایه" توصیه می‌کند که آن را به شیوه کتاب‌های پلیسی بخوانیم: "جنایتی به وقوع پیوسته و ارزش افزونه‌ای ریوده شده، و این ارزش به یغما رفته بین دست‌های مختلف رد و بدل می‌شود، سارقان هر یک به سهم خود بخشی از آن را می‌ربایند؛ سرمایه‌دار، عمده‌فروش، خرده‌فروش، رباخور، کلاهبردار و مردِ رند و ... بطوری که در طی این روند منبع اولیه این ارزش فراموش می‌شود... باید به شیوه شرلوک هلمز به کشف این جنایت پرداخت". بن‌سعید در این کتاب، اندیشه‌های مارکس را از دگم‌های مذهبی می‌زداید، شما می‌فهمید که از چهره‌ی انسانی مارکس برمی‌دارد، و او را دوباره زنده کرده و به پیشواز قرن بیست و یکم می‌فرستد. او بیش از پانصد صفحه مطالب نو درباره‌ی مارکس و مکاتبات مارکس با انگلس، مادر و نزدیکان را ارائه و مورد بررسی قرار می‌دهد.

دانیل بن‌سعید سپس به درخواست انتشارات مجموعه "چه می‌دانم؟" کتاب **"تروتسکیزم‌ها"**<sup>28</sup> را می‌نویسد. او در این کتاب به تروتسکی و تروتسکیزم می‌پردازد که چرا تروتسکیزم گرایش‌های مختلفی در درون خود دارد. این کتاب شرح مختصری از کسانی است که با شور و شوق زائوالوصف و در شرایط بسیار دشوار در جهت زنده نگاهداشتن کمونیزم انقلابی و انترناسیونالیزم، تلاش کردند. او با تأکید بر نقش تروتسکی به عنوان یکی از رهبران انقلاب اکتبر، سازماندهی ارتش سرخ و نظریه پرداز مارکسیست، به مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر تروتسکی - و "اپوزیسیون چپ" از اوایل دهه 1920- علیه جناح استالین و بوروکراسی در حال رشد درون نظام جدید شوروی، می‌پردازد. او براین باور است که تروتسکی میراث عظیمی در جهت تداوم و تکامل مارکسیزم انقلابی و انترناسیونالیزم برجای گذاشته است.

بخش عمده‌ای از آثار دانیل به مسأله‌ی استراتژی چپ در رویارویی با تهاجمات سرمایه و نئولیبرالیزم در دهه‌ی اخیر اختصاص دارد. او در این نوشتارهای خود توضیح می‌دهد که در سده‌ی نوزدهم میلادی جهانی‌شدن سرمایه‌ی انگلیسی در عهد ملکه ویکتوریا، تأسیس بین‌الملل اول را به همراه آورد. او آن دوران را مشابه دوران گلوبالیزاسیون سرمایه‌داری سال‌های اخیر ارزیابی می‌کند که با مقاومت در گستره‌ی جهانی مواجه شده است؛ تظاهرات عظیم در پورتوالگر، در جنوا، در سیاتل و یا در فلورانس؛ فوروم‌های مختلف در سطح منطقه‌ای و در گستره‌ی جهانی. دانیل براین باور است که در طی دو دهه‌ی اخیر شاهد ظهور و گسترش یک نوع انترناسیونالیزم نوینی هستیم: کارگران؛ کشاورزان؛ هواداران محیط زیست؛ فمینیست‌ها؛ سازمان‌های غیردولتی؛ جنبش‌های فرهنگی و ... و نه صرفاً در سطح کشورهای پیشرفته پدیدار شده‌اند بلکه در کل جهان شاهد ظهورشان هستیم. دانیل به طور کامل درگیر مباحثات چگونگی مبارزه با پدیده‌ی "گلوبالیزاسیون" و چگونگی سازماندهی مبارزات علیه آن شد. او دو کتاب **"انترناسیونالیزم نوین"**<sup>29</sup> و **"دنیائی برای تغییر"**<sup>30</sup> را در همین رابطه نوشت. مجادلات بن‌سعید با تونی نگری و جان هالووی در کتاب **"دنیائی برای تغییر"**<sup>30</sup> در بین چپ جهانی کاملاً شناخته شده‌اند و حضور فعالش در فوروم‌های اجتماعی، سمینارها و کنگره‌های جهانی فراموش نشدنی است. او به این نکته اشاره می‌کند که سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال سال‌های اخیر و بحران‌ها و پی‌آمدهای ناشی از آن نظیر نابرابری‌های اجتماعی و به حاشیه‌ی جامعه پرتاب شدن بخش مهمی از جامعه، فجایع محیط زیستی، عدم تضمین در برابر پی‌آمدهای فناوری‌های جدید هم بر روی محیط زیست و طبیعت هم برای آینده‌ی بشر، موجب بیداری وجدان مردم دنیا شده است.

دانیل بن‌سعید در سال ۲۰۰۳ کتاب **"ناشکیبایی‌گند"**<sup>31</sup> را می‌نویسد. این کتاب روایت زندگی خود دانیل است. او در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسد: "این کتاب هدفی ندارد جز کمک به فهم یک زندگی سیاسی، آن هم بعد از فاجعه استالینیزم، در عصر تعبد کالا و در دورانی که پرده اسرار مدرنیته بر زمین افتاده است". در این کتاب، زندگی سیاسی یک "فرد" با زبان "جمع" هم روایت می‌شود. راوی داستان به تناوب "من" و "ما" می‌شود؛ خاطرات فردی و تجارب جمعی. بن‌سعید از اواسط دهه- ۱۹۶۰ تا زمان نگارش کتاب (۲۰۰۳)، چهار دهه‌ی سرشار از رویدادهای گوناگون را بیان می‌کند: کافه دوستان با مشتریان مهاجر خارجی‌اش؛ تجربه‌ی حزب کمونیست؛ سازمان جوانان کمونیست انقلابی (JCR)؛ مه ۱۹۶۸؛ سازمان کمونیست‌های انقلابی (LCR)؛ رویدادهای دلخراش آرژانتین؛ سقوط دیکتاتوری‌ها در اسپانیا و پرتغال؛ انقلاب ایران؛ فروپاشی شوروی و بلوک شرق؛ بازخوانی مارکس و ... همگی روایت‌هایی هستند از یک طغیان سیرتقی که می‌بایست گذشت زمان را بیاموزند: یک ناشکیبائی‌گند را. دانیل بن‌سعید با چنین پشتوانه‌ی پر بار و باارزش با فروتنی خاصی می‌نویسد: "... قلمی حقیر و گواهی ساده برای کمک به فهم آن چه انجام دادیم... در پاره‌ای موارد دچار اشتباهاتی

شدیم، شاید هم تعداد این موارد اندک نباشند، اما در پیکارمان هرگز دچار اشتباه نشدیم و هیچ‌گاه دشمن‌مان را عوضی نگرفتیم".

او در کتاب "**گفتمان‌های یک خدا نابور**"<sup>32</sup> توضیح می‌دهد که یک انقلابی کاملاً متفاوت از یک دین‌دار است. در حالی که دین‌دار از دریافت اجرش در آخرت کاملاً مطمئن است اما، یک انقلابی بر روی رویدادهایی که نتایج‌شان از قبل تعیین نشده‌اند شرط‌بندی می‌کند و تمام هم و غم و توان مطلق خود را در خدمت یک حقیقت نسبی قرار می‌دهد؛ در یک کلام انقلابی کسی است که بطور خستگی-ناپذیر تلاش می‌کند تا این حکم والتر بنیامین - در آخرین نوشته‌اش - با عنوان "ترهایی در باره تاریخ" را در عمل متحقق سازد: "**تاریخ را بگونه‌ای گزنده باید کاوید.**"

دانیل بن سعید سپس کتاب "**محرومان، کارل مارکس، چوب‌دزدان و حق فقرا**" را منتشر می‌کند. مارکس در سال 1842 یک سلسله نوشتار منتشر کرده است که عمدتاً در رابطه با مباحثی بودند که در پارلمان ایالت در مورد "سرقت چوب‌های خشک جنگلی" مطرح شده بود. مباحث پارلمان را این سرانجام منجر به تصویب قوانینی شدند تا فقرائی که به جمع‌آوری چوب‌های خشک جنگلی می‌پرداختند را مجازات کنند. مارکس توضیح می‌دهد که چطور با گسترش سرمایه‌داری مرز بین حق سنتی توده‌ها (مثلاً حق جمع‌آوری چوب‌های خشک جنگلی) و حق مالکیت خصوصی (در این مورد حق مالکیت خصوصی جنگل) دائماً به ضرر محرومان جامعه و به نفع غاصبان اموال عمومی جا به جا می‌شود و سلطه‌ی حق مالکیت خصوصی بر همه چیز چنگ می‌اندازد. ناگفته نباید گذاشت که دو سال پیش‌تر، پرودن جزوه‌ی معروف خود در باره‌ی مالکیت را نوشته بود که در آن به دفاع لیبرالی از حق مالکیت خصوصی پرداخته بود. نوشتارهای مارکس در واقع پاسخی بودند در رد نظریات پرودن. با گذشت بیش از 150 سال از آن زمان، بار دیگر حق مالکیت در مواردی چون تولیدات فکری، هنری و فرهنگی، حق داشتن سرپناه و مسکن به لحاظ نظری و حقوقی مسأله حاد جوامع امروزی می‌شود. دانیل کتاب "**محرومان، کارل مارکس، چوب‌دزدان و حق فقرا**"<sup>36</sup> را به این موضوع اختصاص می‌دهد و با بازخوانی نظرات مارکس این بحث فلسفی و حقوقی را دوباره از نو مطرح می‌کند. او می‌نویسد که امروزه همچون 150 سال پیش، محرومان و خلع‌پیدشدگان، علیه خصوصی‌کردن جهان، علیه به مالکیت خصوصی درآمدن جهان و علیه منطق خشک حسابگری‌های خودخواهانه و فردی به پا خاسته‌اند.

دو نوشته‌ی دیگر بن سعید به سکولاریزم اختصاص می‌یابد. سکولاریزم از ویژگی‌های رادیکالیزم فرانسوی است و دانیل مدافع سرسخت آن. او در کتاب "**یک دین‌شناس جدید: برنار هانری لوی**"<sup>37</sup> - با به اصطلاح "فیلسوفان جدید" - را به نقد می‌کشد. بن سعید، در این کتاب مبلغان ارتجاع نئولیبرالیزم، کسانی نظیر برنار هانری لوی را به چالش می‌طلبد. او اندیشه‌های جنگ‌طلبانه‌ی این کارگزاران نوین امپریالیزم و صیهونیزم جهانی که در پس پشت نقاب دفاع از دموکراسی مخفی شده‌اند را افشا می‌کند. دانیل در سال ۲۰۰۸ کتاب "**در ستایش سیاست الحادی**"<sup>38</sup> را می‌نویسد که عمداً به تحولات ناشی از مدرنیته و مقولات آن پرداخته است. در این کتاب، پرداختن به مسأله‌ی استراتژی در دوران تهاجمات نئولیبرال و نحوه‌ی مقاومت با آن، بخش مهمی را در برمی‌گیرد. در همان سال، او کتاب "**کارل مارکس و فردریک انگلس، اندیشه ناشناخته**"<sup>42</sup> را منتشر کرد. این کتاب به بررسی نظریات مارکس و انگلس در مورد کمون پاریس می‌پردازد و از مارکس به عنوان یک "تحلیل‌گر بی‌نظیر" اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی یاد می‌کند. دانیل در این اثر تبیین می‌کند که مارکس هرگز سیاست را به سطح یک بازتاب ساده‌ی شرایط اقتصادی کاهش نداده است و جبرگرایی اقتصادی‌ای که دیگران به مارکس نسبت می‌دهند را کاملاً بی‌اساس و نادرست می‌داند.

زندگی دانیل نبرد بی‌پایانی بود برای کشف و رسیدن به حقیقت: او از کشتار الجزایریان در متروی پاریس در ۱۹۶۲ تا آخرین لحظات زندگی خود به خوبی فهمیده بود که کشف حقیقت نه با دگماتیسم سازگار است و نه با سکتاریزم. از منظر بن سعید برای شناخت حقیقت، نظریه به تنهایی کافی نیست و بدون قطب‌نمای نظری هم خطر گم‌شدن در پیچ و خم‌های مسیر کنش‌ورزی، وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی دانیل این بود که رابطه‌ی متقابل نظریه و کنش‌ورزی را به خوبی درک کرده و بدان عمل می‌کرد. او در همان حالی که مسئولیت یک طرح تحقیقاتی نظری را برعهده می‌گرفت، مسئولیت انتظامات یک تظاهرات را هم می‌پذیرفت. زندگی دانیل بین جلسات حزبی و جلسات دانشگاهی، سازمان‌دهی و شرکت در تظاهرات خیابانی، سازمان‌دهی و آموزش در مدرسه‌ی

تابستانی حزبی تقسیم شده بود. او نماد پراکسیس مارکسی بود و رمز موفقیت و محبوبیت‌اش در همین نکته نهفته است. کتاب "**اندیشه- کنش**"<sup>43</sup> او به توضیح این امر اختصاص دارد. بن سعید در این اثر ورشکستگی دوگانه‌ای که در دهه های اخیر بشریت با آن ها مواجه بوده است را تشریح می‌کند: هم ورشکستگی سرمایه‌داری مخرب، و هم چپ پارلمنتاریستی مرتد و توهم‌آفرین را، او بر این نکته تأکید می‌گذارد حال که نظام سرمایه‌داری وارد بحران‌های ساختاری-تاریخی خود شده است، نه فقط تأمل عاجل برای دستیابی به یک بدیل اجتماعی بلکه تحقق مبرم و فوری آن هم در دستور کار قرار دارد.

بن سعید در آستانه‌ی تأسیس "حزب نوین ضد سرمایه‌داری" مشترکاً با اولیویه بزآنسونو کتابی نوشت با عنوان "**پیش به سوی سوسیالیزم قرن بیست و یکم**"<sup>44</sup>، با هدف مسلح کردن فعالیت‌های روزمره‌ی ضد سرمایه‌داری آن حزب و با چشم‌اندازی استراتژیک و دراز مدت. کمونیزم قرن بیست و یکم برای او چیزی نبود جز تداوم میراث مبارزات گذشته، از کمون پاریس گرفته تا انقلاب اکتبر، از ایده‌های مارکس، انگلس و لینن گرفته تا تروتسکی، رزا لوکزامبورگ و چه گوارا. اما دانیل همواره عامل زمان و شرایط روز را نیز در نظر داشت. او در مواجهه با فاجعه‌ی محیط زیستی که امروزه بشریت به واسطه نظام سرمایه‌داری با آن روبرو شده است به نقد واژه "اکولوژی" پرداخت؛ واژه‌ای که تبدیل به ابزاری در دست سیاستمداران بورژوا و عوام‌فریب شده تا در جهت تأمین منافع سرمایه‌داران به ادامه‌ی تخریب هرچه بیشتر طبیعت و محیط زیست انسان بپردازند. بدیل انتخابی و پرمعنای دانیل بن سعید، ابداع واژه‌ی "اکوکمونیزم" است.

یکی از آخرین کتاب‌های بن سعید "**کتاب راهنما برای مارکس**"<sup>45</sup> نام دارد. این اثر کتابی است خواندنی و جذاب برای کسانی که می‌خواهند با زندگی و ایده‌های کارل مارکس آشنا شوند. هدف از نوشتن این کتاب، صرفاً آشنا کردن خواننده با اندیشه‌های مارکس نیست بلکه او می‌خواهد کاربرد اندیشه‌های مارکس را در رابطه با منطق سرمایه‌داری، کمونیزم، تشکیلات سیاسی، انترناسیونالیزم، رابطه‌ی انسان با طبیعت و مسائلی از این دست، دوباره زنده کند. این کتاب بن سعید مورد توجه بسیاری از جوانان قرار گرفته است.

دانیل بن سعید این اواخر کتاب "**مارکس و بحران‌ها**"<sup>47</sup> را درباره مواضع مارکس در مورد بحران نوشت. او در این کتاب به بررسی و مقایسه‌ی نظرات مارکس و کینز می‌پردازد. دانیل نکات مشترک و نکات تفاوت آن دو را برمی‌شمارد. او توضیح می‌دهد که بررسی نکات فرعی برنامه اقتصادی نه تنها کافی نیستند بلکه اصولاً فریب دهنده هستند. بن سعید براین باور است که یک برنامه را می‌بایست در کلیت‌ش مورد ارزیابی قرار داد و سرانجام نتیجه می‌گیرد که اصولاً کلیه‌ی برنامه و پیشنهاد‌های اقتصادی کینز در جهت نجات سرمایه‌داری و جلوگیری از سقوط و خلاصی از شر زیاده‌روی‌های مخرب آن نظام است. در واقع، طرح و برنامه‌ی کینز مرهمی است بر زخم چرکین سرمایه‌داری، در حالی که برنامه‌ی مارکس سرنگونی سرمایه‌داری است.

نظرات و مبارزات دانیل تا حدودی نقش رابط و پل ارتباطی بین دو دوران نسبتاً متفاوت را دارا هستند. هر دورانی به ناگزیر مراجع و منابع خود را داراست. در تاریخ سیاسی مدرن، آغاز "قرن نوزدهم طولانی" را کمون پاریس، و پایان آن را جنگ جهانی اول می‌دانند. همچنین، نقطه‌ی آغاز "قرن بیستم کوتاه" را انقلاب اکتبر تعیین می‌کنند، و پایان آن را فروپاشی شوروی می‌نامند. اگر به همین منوال، شروع قرن بیست و یکم را آغاز حملات نئو لیبرالیزم بدانیم، آن‌گاه نظرات و مداخلات دانیل بن سعید را می‌توان پل ارتباطی میان پایان قرن بیستم کوتاه و آغاز قرن بیست و یکم دانست.

دانیل به لحاظ اخلاقی، نظری و سیاسی جایگاه ویژه‌ای در بین چپ رادیکال در سطح جهانی داشت. او تنها یک سال بعد از تأسیس "حزب نوین ضد سرمایه‌داری" از میان ما رفت. حزبی که نظر افراد و احزاب چپ رادیکال در سطح جهانی را به خود جلب کرده است و او از پایه گذارانش بود. او خود در توصیف این حزب می‌نویسد: "**یک حزب نوین وفادار به محرومان جامعه و انسان‌های زیرسلطه نه از بیان صریح ضد سرمایه‌داری بودن خود ابا دارد و نه از گفتن این که خواهان تغییر جهان است.**"

در چند سال اخیر با آن که بیماری به شدت از قدرت فیزیکی دانیل کاسته بود اما او در همه جا حاضر بود؛ توگویی او با ولع خاصی می‌خواست در این اندک فرصت که برایش باقی مانده، تمام اندوخته‌های

نظری و تجربه‌های پراتیک خود را به نسل جوان منتقل کند: در جلسات حزبی، در جلسات دانشگاهی، در مؤسسه‌ی تحقیقات بین‌المللی آمستردام، در انجمن مارکس، در مجلات تئوریک "نقد کمونستی" و "خلاف جریان"، در مجادلات سیاسی در سطح جهانی، در مدرسه‌ی تابستانی "حزب نوین ضد سرمایه‌داری"، و در پایه‌گذاری انجمن "لوئیز میشل". در سی سال اخیر، سال‌های یکه تازی سرمایه‌داری در سطح جهانی و سنگر مبارزه خالی کردنِ اکثر هم‌زمان پیشین، دانیل پرچم مارکسیزم انقلابی را برافراشته نگاهداشت. او کوشید تا با شفاف‌سازی پراتیک روزمره و نظریه‌های خود به پیشواز قرن بیست و یکم برود. او در یکی از مصاحبه‌های خود در سال ۲۰۰۹ می‌گوید: "۲۵ سال پیش در دنیای لیبرال‌ها، مارکس سگِ مرده‌ی متعفن بود، اما امروزه شبخ خندان‌ش دوباره ظاهر شده است. در واقع امر {مارکس} فعلیت امروزی خود را مدیون وجود سرمایه‌ی جهانی است".

آخرین باری که او را دیدم در مدرسه‌ی تابستانی "حزب نوین ضد سرمایه‌داری" بود. دانیل از این که نمی‌توانست در بحث کارگاه ایران شرکت کند- صرفاً به دلیل هم‌زمانی آن با بحث کارگاه خودش- چندان خشنود نبود. او در مورد رویدادهای اخیر در ایران در پی "انتخابات" پرسش‌های بسیاری داشت، بن سعید از وضعیت چپ در ایران پرسید و کمی هم درباره‌ی کنگره آتی بین‌الملل چهارم گپ زدیم. او با بی‌تکلفی‌اش، با خوشروئی‌اش، با دست‌ودل بازی‌اش، با طنز و با قدرت تخیل بالایش نمونه‌ی نادری در بین روشنفکران مبارز و انقلابی بود. با رفتن دانیل بن سعید ضربه‌ای سخت بر چپ رادیکال، بر کارگرن جهان، و تمامی مبارزان در عرصه جهانی وارد شد. جای خالی او برای ما و تمام کسانی که برای تغییر جهان و برپایی دنیائی بهتر تلاش می‌کنند، کاملاً محسوس است.

مارس 2010

---

\*ترمیدور Thermidor نام ماه یازدهم از تقویم جدیدی بود که پس از انقلاب کبیر فرانسه مورد استفاده قرار گرفت. در نهم ترمیدور (مطابق با 27 ژوئیه) سال 1794 روبسپیر برکنار شد و با این واژگونی حرکت به سمت راست حکومت جمهوری اول آغاز شد و راه را برای روی کار آمدن ناپلئون بناپارت (در هژدهم ماه برومر، مطابق با 9 نوامبر 1799) باز کرد.

## مقالات

دانیل مقالات بسیاری به زبان های فرانسوی، انگلیسی، اسپانیولی و پرتغالی نوشته است. سایت اینترنتی

[Le site Internet d'Europe solidaire sans frontières \(ESSF\)](http://www.europe-solidaire.org/spip.php?page=auteur&id_auteur=101)

تاکنون 285 مقاله اش به زبان های فرانسوی و انگلیسی را گردآورده است. آدرس آن :

[http://www.europe-solidaire.org/spip.php?page=auteur&id\\_auteur=101](http://www.europe-solidaire.org/spip.php?page=auteur&id_auteur=101)

† مقالاتی که از وی تاکنون به فارسی ترجمه شده اند (تا آن جایی من از آن ها اطلاع دارم):

– **مارکس رهیده از قفس خویش**، منتشر شده در آرش ۵۴ (فوریه - مارس ۱۹۹۶)

– دانیل بن سعید و نگاه او به جنبش کارگری و اجتماعی فرانسه، در کنگره بین المللی مارکس، جلد ۳

– تداوم منطقی ایده ها: (مأخذ قبلی)

– ما یهودیان: <http://www.peykarandeesh.org/old/book/Intifada/intefada.index.htm>

– آری ما یهودیان: <http://www.peykarandeesh.org/old/book/Intifada/intefada.index.htm>

– پرسش های اکتبر، آیا انقلاب اکتبر کودتا بوده؟ و آیا از ابتدا محکوم بوده است و زودرس؟، مندرج در سامان نو شماره 7: <http://www.saamaan-no.org/saman7.pdf>

– درباره بازگشت مسئله سیاسی-استراتژیکی :

[http://www.saamaano.org/NUMBER5/saman\\_no\\_5.htm#bazgasht](http://www.saamaano.org/NUMBER5/saman_no_5.htm#bazgasht)

– مصاحبه با آلن بادیو نویسنده «فرضیه کمونیسم» و پاسخ دانیل بن سعید به برخی از انتقادات او:

<http://www.peykarandeesh.org/article/Alain-Badiou-et-la-reponse-de-Bensaid.html>

– پیرامون تغییر جهان بدون تصرف قدرت جان هالووی:

<http://www.nashrebidar.com/gunagun/ketabha/soghey%20enghlabi/piramon%20taghir.htm>

– تزه های مقاومت: [http://www.iran-archive.com/khiaban/khiaban\\_041.pdf](http://www.iran-archive.com/khiaban/khiaban_041.pdf)

## کتاب ها

فهرست زیر در برگیرنده اسامی و مشخصات کتاب های دانیل بن سعید است. برخی از آن ها را با همکاری دیگران نوشته است. این لیست کامل نیست. کتاب هائی که به زبان انگلیسی هستند با علامت \*\*\* مشخص شده اند.

1- *Mai 68, une répétition générale* (en collaboration avec Henri Weber), Maspero, Paris, 1968.

2- *Contre Althusser* (ouvrage collectif), 10/18 UGE, Paris, 1974.

3- *Portugal, une révolution en marche* (en collaboration avec Charles-André Udry et Michael Löwy), 10/18, Paris, 1975.

4- *La Révolution et le pouvoir*, Stock, Paris 1976.

5- *L'Anti-Rocard ou les haillons de l'utopie*, La Brèche, Paris, 1980.

6- *Marx ou pas ?* (ouvrage collectif), EDI, Paris, 1986.

- 7- *Stratégies et Partis*, La Brèche, coll. Racines, Paris, 1987.
- 8- *Mai si ! 1968-1988, rebelles et repentis* (avec Alain Krivine), La Brèche, Paris 1988.
- 9- « *Que faire (1903) et la création de la Ligue communiste (1969)* » (avec Antoine Artous), Retours sur Mai, La Brèche, Paris 1988.
- 10- *Moi, la Révolution. Remembrances d'un bicentenaire indigne*, Gallimard, coll. Au vif du sujet, Paris, 1989.  
\*\*\*I, The Revolution.
- 11- « *Un Bicentenaire thermidorien* », in Collectif, *Permanences de la Révolution*, La Brèche, Paris 1989.
- 12- *Walter Benjamin, sentinelle messianique*, Plon, Paris, 1990.
- 13- *Jeanne de guerre lasse*, Gallimard, collection Au vif du sujet, Paris, 1991.
- 14- *Marx l'intempestif. Grandeurs et misères d'une aventure critique (xix-xx siècles)*, Fayard, Paris, 1995.  
\*\*\* *Marx for our times: adventures and misadventures of a critique*, Verso, London, 2002.
- 15- *La Discordance des temps. Essais sur les crises, les classes, l'histoire*, les Éditions de la Passion, Paris 1995.
- 16- *Le Pari mélancolique*, Fayard, Paris, 1997.  
\*\*\* *The Melancholy Wager*, Verso, London, 2002
- 17- *Le Retour de la question sociale* (en collaboration avec Christophe Aguiton), Editions Page 2, Lausanne 1997.
- 18- *Leur gauche et la nôtre. Lionel, qu'as-tu fait de notre victoire ? Un an après...* Albin Michel, Paris, 1998
- 19- *Qui est le juge ? Pour en finir avec le tribunal de l'histoire*. Fayard, Paris 1999.
- 20- *Éloge de la résistance à l'air du temps, entretien avec Philippe Petit*, Textuel, Conversations pour demain, Paris, 1999.
- 21- *Contes et légendes de la guerre éthique*, Textuel, La Discorde, Paris, 1999.
- 22- *Le Canard et le lapin : le journalisme et ses critiques*, Edwy Plenel et Daniel Bensaïd, 31 décembre 1999.
- 23- *Le Sourire du spectre. Nouvel esprit du communisme*, Michalon, Paris, 2000.
- 24- *Les Irréductibles. Théorèmes de la résistance à l'air du temps*, Textuel, La Discorde, Paris, 2001.
- 25- *Le Retour de la critique sociale in Marx et les nouvelles sociologies*, Textuel 9, 2001.

- 26- *Résistances. Essai de taupologie générale* (illustré par Wiaz), Fayard, Paris, 2001.
- 27- *Karl Marx : Les hiéroglyphes de la modernité*, Textuel, Passion, Paris 2001.
- 28- *Les Trotskysmes*, PUF, Que sais-je ?, Paris, 2002
- 29- *Le Nouvel Internationalisme. Contre les guerres impériales et la privatisation du monde*, Textuel, Paris, 2003.
- 30- *Un Monde à changer. Mouvements et stratégies*, Textuel, La Discorde, Paris, 2003.
- 31- *Une lente impatience*, Stock , Paris, 2004.
- 32- *Fragments mécréants. Sur les mythes identitaires et la république imaginaire*, Lignes, Paris, 2005.
- 33- *Présentation et commentaires : Édition critique de « Sur la Question juive » de Marx*, La Fabrique, Paris, 2006.
- 34- « *John Holloway, révolution sans la révolution* » in *La planète altermondialiste* (coordonné par Chiara Bongfiglioni & Sébastien Budgen), La Discorde, Textuel, Paris, 2006.
- 35- « *Trente ans après : Introduction à l'Introduction au marxisme* », préface à : *Ernest Mandel, Introduction au marxisme*, Ed. Formation Léon Lesoil, Bruxelles 2007.
- 36- *Les Dépossédés. Karl Marx, les voleurs de bois et le droit des pauvres*, La Fabrique, Paris, 2007.
- 37- *Un nouveau théologien, Bernard-Henri Lévy*, Lignes, Paris, 2007.
- 38- *Éloge de la politique profane*, Bibliothèque Idées, Albin Michel, Paris, 2008.
- 39- *1968, fins et suites* avec Alain Krivine, Lignes, Paris, 2008.
- 40- « *Préface* » in *Elie Kagan, Mai 68 d'un photographe*, avec une étude d'Alexandra Gottely et Laure Lacroix (Album).
- 41- « *Société du spectacle* », in *La France des années 68* (ouvrage collectif coordonné par Antoine Artous, Didier Epszajn et Patrick Silberstein), Syllepse, Paris, 2008.
- 42- « *Politique de Marx* », in *Karl Marx & Friedrich Engels, Inventer l'inconnu. Textes et correspondance autour de la Commune*, La Fabrique, Paris, 2008.
- 43- *Penser Agir, pour une gauche anticapitaliste*, Lignes, Paris, 2008.
- 44- *Prenons parti - Pour un socialisme du xxie siècle* avec Olivier Besancenot, Mille et une Nuits, Paris, 2009.
- 45- *Marx, mode d'emploi*, texte de Daniel Bensaïd, dessins de Charb, Zones (La Découverte), Paris, 2009.
- 46- « *Le scandale permanent* » in *Démocratie, dans quel état?*, ouvrage collectif, La Fabrique, Paris, 2009.

47- « *Marx et les crises* » in *Les crises du capitalisme* (Texte inédit), édition établie et traduite par Laurent Hebenstreit, Démopolis , Paris, 2009.

48- *Postcapitalisme, Imaginer l'après*, ouvrage collectif. Au diable vauvert, novembre 2009.